Archive of SID

# تعزیر مالی و جریمه دولتی برای مطالبات غیرجاری در بانکداری اسلامی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/٤/٦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۷/۳۰

سیدعباس موسویان**
فرشته ملاکریمی***

## چکیده

*روش رایج برای جلوگیری از مطالبات غیرجاری در نظام بانکی کشور، وجه التزام تأخیر تأدیه است. این راهکار به دلیل تحریف عملی ماهیت وجه التزام و مواجهه با اشکالاتی همچون عدم برخورداری از مشروعیت کافی و برخورد با شبهه ربا، بی‌توجهی به اعسار مشتریان و برخورد یکسان با تأخیرکنندگان، راهکار مطلوبی در زمینه حل معضل مطالبات غیرجاری محسوب نمی‌شود. سؤال اصلی مقاله این است که آیا می‌توان در زمینه حل معضل مطالبات غیرجاری به راهکاری دست یافت که ضمن برخورداری از مشروعیت لازم، از کارایی مناسب نیز برخوردار باشد؟*

*مقاله پیش رو درصدد است با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی و با استفاده از منابع فقه امامیه به بررسی این فرضیه بپردازد که راهکار تعزیر مالی مشتریان متخلف می‌تواند به عنوان روش بهینه مطرح گردد؛ به این بیان که افرادی که با وجود تمکن مالی از پرداخت به‌موقع بدهی خود امتناع ورزند، محکوم به پرداخت مبلغی به عنوان تعزیر مالی می‌شوند؛ در این روش نظام قضایی که عهده‌دار مجازات افراد خاطی است، نظام بانکی را متصدی دریافت جرایم می‌نماید. راهکار دوم وضع جریمه دولتی است؛ در این روش دولت بنا بر نظریه مطلقه فقیه حق دارد جهت حفظ مصالح جامعه و نظم مالی کشور، قوانینی وضع نماید و گیرندگان تسهیلات را مکلف به پرداخت به‌موقع دیون و تعهدات مالی نماید و در صورت تخلف از این وظیفه قانونی، ایشان را مکلف به پرداخت مبلغی به عنوان جریمه نماید. دولت می‌تواند بخشی از تعزیر مالی و جرایم را جهت جبران خسارات وارده به بانک‌ها اختصاص دهد.*

**واژگان کلیدی:** *مطالبات غیرجاری، وجه التزام، تعزیر مالی، حاکمیت دولت اسلامی.*

**طبقه‌بندی JEL:** G21، G28، K12، K35.

---

*. این مقاله برگرفته از تحقیقی است که برای مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی انجام شده است.

**. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. Email: samosavian@yahoo.com.

***. پژوهشگر پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا. Email: f.mollakarimi@gmail.com.



www.SID.ir

Archive of SID

## مقدمه

یکی از چالش‌های جدی بانک‌های اسلامی روش مواجهه با مطالبات غیرجاری است؛ روشی که در عین مشروعیت، از کارایی لازم برای بازدارندگی مشتریان متخلف و محافظت از منافع بانک و حقوق مشتریان معسر و ناتوان مالی برخوردار باشد. این مقاله درصدد است ضمن آسیب‌شناسی راهکار وجه التزام بانکی از دیدگاه مشروعیت و کارایی، به ارائه پیشنهادی در زمینه حل معضل مطالبات غیرجاری در نظام بانکی بپردازد.

در این مقاله دو راهکار بر مبنای تعزیر مالی مشتریان متخلف و حقّ حاکمیت دولت اسلامی برای وضع جریمه مالی پیشنهاد می‌شود؛ بنا بر راهکار نخست، مطابق قانون (قانون پیشنهادی که باید به تصویب مجلس برسد) هرنوع تخلف از قراردادهای بانکی به‌ویژه تأخیر در ادای دیون و تعهدات مالی برای مشتریان غیرمعسر، جرم محسوب شده و مشمول جریمه‌ای معادل فلان درصد دیون و تعهدات مالی به نفع دولت خواهد بود؛ این جرایم با تفویض قضایی توسط بانک وصول شده و به حساب بانک مرکزی واریز خواهد شد و بانک مرکزی مجاز خواهد بود در صورت صلاحدید بخشی از آن جرایم را به بانک مذکور بپردازد و باقیمانده را به حساب دولت منتقل نماید؛ بنا بر راهکار دوم، دولت اسلامی به عنوان نهاد حاکمیت جهت سامان‌دهی جریان اموال و فرهنگ‌سازی وفای به عهد میان مردم، قانونی به تصویب می‌رساند که بر اساس آن تأخیر در ادای تعهدات مالی برای مشتریان غیرمعسر، مشمول جریمه‌ای معادل فلان درصد دیون و تعهدات مالی به نفع دولت خواهد بود؛ این جرایم توسط بانک وصول شده و به حساب بانک مرکزی واریز خواهد شد و بانک مرکزی مجاز خواهد بود در صورت صلاحدید بخشی از جرایم را به بانک بپردازد و باقیمانده را به حساب دولت منتقل نماید.

ساختار مقاله به این ترتیب است که پس از بیان پیشینه تحقیق، ماهیت راهکار وجه التزام بانکی از دیدگاه فقهی و کارایی آسیب‌شناسی شده و سپس دو راهکار در زمینه حل معضل مطالبات معوق پیشنهاد می‌شود؛ این‌دو روش از جهت مشروعیت و کارآمدی در نظام بانکی بررسی می‌گردد.



www.SID.ir

Archive of SID

## پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر پژوهشگران در زمینه ابعاد فقهی و حقوقی دریافت جریمه تأخیر تأدیه در نظام بانکی مطالعاتی را انجام داده‌اند؛ برخی از آنها که ارتباط با بحث دارند عبارت‌اند از:

*رضایی* (۱۳۸۱) راهکارهای دریافت جریمه تأخیر را دارای مشکلات قابل توجهی می‌داند؛ در این راهکارها، جریمه دیرکرد یا به عنوان تعزیر مالی و یا در مقابل تورم (به عنوان جبران ضرر) تلقی شده است. در برخی روش‌ها دریافت جریمه به‌علت تعهد پرداخت به صورت شرط ضمن عقد و برخی با استفاده از شیوه‌های دیگری مانند شیوه‌های تنبیهی و تشویقی و تبدیل اقساط به خرید سهام مجاز شمرده شده‌اند.

*تسخیری* (۱۳۸۲) شرط جریمه را غرامتی می‌داند که هریک از خریدار و فروشنده هنگام بستن قرارداد، به عنوان «وجه‌الالتزام» و مجازات عدم ایفای تعهد، تعیین می‌کنند. ایشان تفاوت این مسئله با ربای جاهلی را چنین بیان می‌دارد که مطالبه اصلی وام‌دهنده از بدهکار، تأدیه به‌موقع بدهی است؛ لکن در صورت تخلف از شرط، از وی غرامت می‌گیرد و نه جواز تأخیر بدهی در قبال تأخیر در پرداخت، که در ربای جاهلی مطرح است.

*موسویان* (۱۳۸٤) به بررسی روند تحولات قوانین مربوط به تأخیر تأدیه می‌پردازد و قوانین مصوب دراین‌باره را تبیین و از جهت فقهی بررسی می‌نماید؛ وی نشان می‌دهد که قوانین گرچه با برخی آرای فقهی مراجع تقلید ناسازگار هستند، اما بر اساس مستندات فقهی قابل‌قبولی بنیان نهاده شده‌اند.

*موسویان* در پژوهشی دیگر (۱۳۸۵)، ضمن مطالعه علل و عوامل تأخیر تأدیه و آثار اقتصادی و اجتماعی آن، بر اساس چند معیار به ارزیابی راهکارهای پیشنهادی می‌پردازد؛ وی که برخی از راهکارها را دارای اشکالات شرعی و برخی را ناکارآمد می‌داند، نتیجه‌گیری می‌کند که هنوز راه‌حل عاری از اشکال فقهی و همچنین کارآمد، ارائه نشده است؛ بر همین اساس ضروری می‌داند فقیهان، حقوق‌دانان و کارشناسان بانکی، با مطالعه عوامل تأخیر در پرداخت و آثار و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن و با رعایت ضوابط شرعی و مصالح جامعه، راهکارهایی عملی برای حل عادلانه مشکل پیدا کنند.

*آهنگران* و *ملاکریمی* (۱۳۸۹) جریمه و خسارت تأخیر تأدیه را از جهت ماهوی و مبنایی متفاوت در نظر گرفته‌اند؛ جریمه دیرکرد بر اساس دو مبنای شرط کیفری مالی و



www.SID.ir

Archive of SID

تعزیر مالی دارای ماهیت تنبیهی و مجازاتی است. اشتراط جریمه تأخیر صرف‌نظر از شبهه ربا، با اشکالات دیگری روبه‌رو است که مشروعیت آن را با اشکال مواجه می‌نماید.

*انصاری* (۱۳۹۰) با عنایت به قواعد لاضرر و تسبیب، خسارت تأخیر را مورد حمایت قانونگذار می‌داند. وی دریافت خسارت تأخیر در قالب وجه التزام در انجام تعهد را نیز عاری از شبهه ربا می‌داند؛ در این روش افراد معسر، ورشکسته و ناتوان از پرداخت بدهی، مشمول پرداخت خسارت تأخیر تأدیه نیستند.

*موسویان* (۱۳۹۲) یکی از خلأهای جدی قانون عملیات بانکی بدون ربا را نادیده‌گرفتن مسئله مطالبه‌های غیرجاری و عدم ارائه شیوه‌های شرعی جهت مدیریت این مسئله معرفی می‌نماید؛ در این زمینه بر اساس فقه غنی اسلام در کنار راهکارهای انگیزشی و اخلاقی، راهکارهای الزامی همچون راهکار «وجه التزام ابتدایی در قالب عقد صلح» و «اضافه نمودن وجه التزام به سود معامله از ابتدا» برای پیشگیری و معالجه مشکل مطالبه‌های غیرجاری بانکی پیشنهاد می‌شود.

*قلیچ* و *ملاکریمی* (۱۳۹٤) با راهکار ترکیبی جایزه خوش‌حسابی و اعمال تعزیرات قانونی، بسته سیاستی مناسبی برای حل معضل مطالبات معوق پیشنهاد داده‌اند. این بسته با به‌کارگیری دو ابزار تشویقی و تنبیهی به‌طور موازی و همچنین استفاده مناسب از سامانه اطلاعاتی سوابق تسهیلاتی نظام بانکی می‌تواند جایگزین مناسبی برای جریمه تأخیر تأدیه باشد؛ به‌طوری‌که ضمن برخورداری از مزایای راهکارهای قبلی، مشکلات و چالش‌ها را نیز به حداقل می‌رساند.

این مقاله می‌کوشد پس از بررسی ادبیات موضوع، حل مسئله را از دیدگاه تعزیر مالی و حق حاکمیت دولت اسلامی بررسی کرده و راهکارهای جدیدی برای مواجهه با پدیده مطالبات غیرجاری ارائه کند؛ راهکارهایی که در عین تطابق حداکثری با موازین شرعی قابلیت اجرایی در نظام بانکی را نیز داشته باشند.

## ماهیت وجه التزام بانکی

رویّه کنونی بانک‌های ایران به این صورت است که در ضمن قراردادهای مالی خود، شرطی را می‌گنجانند که بر اساس آن مشتریان متعهد می‌شوند دیون خود را در



www.SID.ir

Archive of SID

سررسیدهای مقرر تأدیه نمایند و در غیر این صورت، جریمه پرداخت نمایند؛ بااین‌وصف معنای شرط کیفری یا وجه التزام، اجبار و الزام مشتری به اجرای مفاد قرارداد است؛ درواقع شرط کیفری مالی یا وجه التزام که به شرط جزا نیز معروف است، یکی از روش‌های ضمانت اجرای قرارداد و توافقی است که به‌موجب آن طرفین قرارداد، مبلغی را که در صورت عدم اجرای قرارداد باید پرداخته شود از پیش معیّن می‌سازند (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص۱۹۰/ اسکینی، ۱۳۷۱، ص٥٤). تحقق شرط کیفری منوط به وقوع ضرر نیست؛ بلکه به‌محض خودداری متعهد از انجام تعهد، پرداخت جریمه بر عهده او ثابت می‌گردد؛ اگرچه ضرری متوجه شرط‌کننده نشده باشد یا ضرر و خسارت وی کمتر از مورد توافق باشد (تسخیری، ۱۳۸۲، ص٦٦).

وجه التزام بانکی از نظر فقهی ذیل قاعده «المؤمنون عند شروطهم» قرار می‌گیرد؛ مطابق همین دیدگاه، فقهای شورای نگهبان نیز دریافت جریمه تأخیر تأدیه از مشتریان بدحساب را بر مبنای شرط کیفری مالی و به صورت شرط ضمن عقد، مشروع می‌دانند. در سال ۱۳٦۱ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در نامه‌ای پیشنهاد شورای پول و اعتبار در خصوص گرفتن جریمه تأخیر تأدیه مطالبات بانک‌ها از مشتریان را استفسار نمود؛ بر اساس این پیشنهاد متناسب با انواع قراردادهای بانکی باید ماده‌ای به صورت شرط ضمن عقد در متن قراردادهای بانکی گنجانده می‌شد که در نتیجه آن مشتری متعهد شود در صورت تأخیر در پرداخت بدهی، مبلغی معادل دوازده درصد اصل بدهی را به عنوان جریمه تأخیر به بانک بپردازد. فقهای شورای نگهبان با تغییر مختصری پیشنهاد شورای پول و اعتبار را پذیرفته و آن را در نامه‌ای به‌طوررسمی در تاریخ ۱۳٦۱/۱۱/۲۸ ابلاغ کردند (مهرپور، ۱۳۷۱، ج۳، ص۱۹٦).

## آسیب‌شناسی وجه التزام بانکی

گرچه راهکار وجه التزام مورد تأیید برخی مراجع تقلید و فقهای شورای نگهبان قرار گرفته و هم‌اکنون در قراردادهای بانکی مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما در مقام نظریه و عمل، از دیدگاه شریعت و کارایی با اشکالاتی روبه‌رو است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:



www.SID.ir

Archive of SID

## الف) تحریف عملی ماهیت وجه التزام

برخی مراجع تقلید و فقهای شورای نگهبان با استناد به مبنای فقهی وجه التزام، دریافت جریمه تأخیر را به صورت شرط ضمن عقد به بانک‌ها و نهادهای مالی اجازه داده‌اند؛ اما رفتار بانک‌ها گاه از ماهیت وجه التزام فاصله می‌گیرد؛ بانک‌ها با استناد به شرط وجه التزام، به مشتریان اجازه می‌دهند تا در مقابل به‌تعویق‌انداختن سررسید، مبلغی را به عنوان جریمه پرداخت کنند؛ درواقع مشتریان بین پرداخت به‌موقع بدهی و پرداخت دیرتر بدهی به همراه مقداری جریمه حق انتخاب دارند؛ این مسئله فلسفه وجه التزام را که الزام مدیون به تأدیه به‌موقع بدهی است، نقض می‌کند. بانک می‌بایست به مسئله وجه التزام در جهت الزام مشتریان به عنوان جریمه بنگرد نه به عنوان فرصت و هزینه استفاده بیشتر از تسهیلات بانک. مشتری نباید تصور نماید پرداخت جریمه، قیمت بالاتری است که بانک در برابر بیشتر دراختیاردادن تسهیلات مقرر نموده است؛ چون پرداخت این قیمت در برابر منافعی که از دیرپرداختن تسهیلات نصیب مشتری می‌گردد، دارای صرفه و توجیه اقتصادی است؛ بنابراین اگر قصد بانک مبادله مبلغ با مدت تمدید باشد این رباست؛ اما اگر هدف الزام مشتری متخلف به پرداخت باشد، این «وجه التزام» است.

رشد مطالبات غیرجاری گویای عدم کارایی راهکار وجه التزام از بازدارندگی مناسب می‌باشد؛ بررسی‌ها نشان می‌دهد میزان مطالبات معوق از سال ۱۳۸۰-۱۳۹۳، حدود ٦٥ برابر شده است و بررسی نسبت تسهیلات غیرجاری یا مطالبات سررسیدگذشته، معوق و مشکوک‌الوصول به کل تسهیلات در دهه اخیر نشان می‌دهد که روند کلی این شاخص سیر صعودی را طی کرده و از پنج درصد به حدود دوازده درصد رسیده است. بر اساس آمارهای منتشرشده از سوی بانک مرکزی، رقم مطالبات معوق بانکی در سال ۱۳۸۰، حدود ۱.۲ هزار میلیارد تومان بوده که در سال ۱۳۹۲ به حدود ۷۷ هزار میلیارد تومان و در سال ۱۳۹۳ با افزایش ۱۰ هزار میلیارد تومان، رقم معوقات بانکی به حدود ۸۷ هزار میلیارد تومان رسیده است (بانک مرکزی، ۱۳۹۳/ امیدی‌نژاد، ۱۳۹٤).



www.SID.ir

Archive of SID

## ب) شبهه ربا بودن وجه التزام

به اعتقاد برخی از مراجع تقلید، شرط‌کردن جریمه دیرکرد در قرارداد قرض، مصداق شرط انتفاع است؛ زیرا طبق ادله حرمت ربای قرضی، دریافت هرگونه مبلغ اضافی در عقد قرض حرام است؛ لذا گنجاندن چنین شرطی در عقد قرض جایز نیست و در سایر قراردادها مصداق ربای جاهلی یعنی تمدید مهلت در مقابل افزایش بدهی است (نجفی، ۱۹۸۱م، ج۲۳، ص۱۲۱/ انصاری، ١٤١٥ق، ج٦، ص۲۲۱-۲۲۳)؛ بر اساس همین شبهه فقهایی همچون آیات عظام امام‌خمینی﵀، *بهجت*﵀، *سیستانی*، *وحید خراسانی* و *هاشمی شاهرودی* با مسئله جریمه تأخیر مخالفت نموده‌اند:*

امام‌خمینی﵀:

آنچه بانک و یا غیربانک از بدهکار در صورت تأخیر پرداخت از تاریخ سررسید اضافه می‌گیرد حرام است و گرفتن آن جایز نیست؛ هرچند که دو طرف معامله به این معنا تراضی داشته باشند.

آیت‌الله *بهجت*﵀:

سؤال: آیا خسارت تأخیر ادای دین و دیرکرد را می‌توان ضمن عقد لازم شرط کرد؟
جواب: خیر، حرام و رباست.

آیت‌الله *سیستانی*:

سؤال: اگر چیزی را از کسی قرض بگیریم و قرض‌دهنده شرط کند که در صورت تأخیر از موعد مقرر، وجهی را به عنوان جریمه مازاد بر شیء مقروض دریافت کند اشکال دارد؟
جواب: جایز نیست.

آیت‌الله *هاشمی شاهرودی*:

سوال: بانک یا مؤسسه‌های مالی- اعتباری تحت عناوین عقود اسلامی تسهیلاتی را در اختیار مردم قرار می‌دهند، هرگاه وام‌گیرندگان در بازپرداخت اقساط دچار مشکل شوند و اقساط آن را پرداخت نکنند، بانک‌ها از وام‌های باقیمانده در دست مردم به صورت مرتب سود دریافت می‌کنند؛ مثلاً شخصی دو میلیون تومان دریافت می‌کند و هیچ‌یک از اقساط

*. فتاوای مراجع عظام تقلید از کتاب **جریمه تأخیر تأدیه** نوشته مؤلفان همین مقاله نقل شده است.



www.SID.ir

Archive of SID

آن را به مدت ده سال نمی‌پردازد. بانک بابت اصل دو میلیون تومان و سودهایی که در این ده سال به آن تعلق گرفته است هفتاد میلیون تومان مطالبه می‌کند؛ حکم اخذ سود به‌نحومذکور از نظر تکلیفی و وضعی چگونه است؟

جواب: گرفتن مبلغ اضافی به‌خاطر دیرکرد ربا و حرام است.

آیت‌الله *وحید خراسانی*:

سؤال: آیا جریمه دیرکرد توسط بانک و [اداره] دارایی (مالیات) صحیح است یا ربا می‌باشد؟

جواب: جریمه در مورد تأخیر پرداخت وام جایز نیست.

افزون‌براین در سال‌های اخیر فقیهانی همچون آیات عظام *مکارم شیرازی* و *نوری همدانی* که از جهت فقهی موافق دریافت جریمه دیرکرد بودند، عملکرد ناصحیح نظام بانکی را به جهت اشکالات و شبهات شرعی آن زیر سؤال بردند و در اظهارنظرهای رسانه‌ای خود باصراحت به آن اعتراض نمودند:

آیت‌الله *نوری همدانی*: «اخذ دیرکرد در بانک‌ها حرام است و نوعی رباخواری محسوب می‌شود؛ مگر از ابتدا شرط شود که اگر در زمانی معیّن اقساط پرداخت نشد، این میزان جریمه می‌شوید نه اینکه بابت هر ساعت یا روز تأخیر جریمه در نظر گرفته شود».
(http://www.mbri.ac.ir/Default.aspx?PageName=islamicbankingpages&ID=70404)

آیت‌الله *مکارم شیرازی*: «بانک‌ها نباید از مردم جریمه دیرکرد بگیرند؛ این مسئله بارها تذکر داده شده؛ اما هنوز به صورت ریشه‌ای حل نشده است».
(http://www.mbri.ac.ir/Default.aspx?PageName=islamicbankingpages&ID=70405)

## ج) بی‌توجهی به اعسار مشتریان

طبق نصوص دینی امهال(مهلت دادن) به مدیون معسر از واجبات الهی است و فرد معسر نه‌تنها از بازپرداخت وجه التزام معاف است، بلکه نسبت به بازپرداخت اصل بدهی تا زمان به‌دست‌آوردن تمکن مالی نیز فرصت دارد؛ درواقع اگر مدیون معسر باشد، گرفتن خسارت تأخیر از وی فاقد وجاهت شرعی و قانونی است؛ بنابراین اگر مدیون ثابت کند از پرداخت دین و قسط خود معسور بوده و درنتیجه تقصیری متوجه وی نیست، نمی‌توان حکم به تأدیه خسارت را متوجه وی دانست (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲، ص۱۲)؛ چراکه در فرضی که مشتری تمکن مالی لازم را برای ادای دین در موعد مقرر ندارد، تأخیر وی نقض تعهد



www.SID.ir

Archive of SID

به‌شمار نمی‌رود. چنین فردی قصد تخلف از شرط را نداشته و تنها به دلیل ناتوانی، سررسید دین را به تعویق انداخته است. دریافت جریمه از چنین فردی علاوه بر دوچندان نمودن مشکلات وی، امری ظالمانه است؛ این ظلم در شریعت به حکم قاعده عدل و انصاف نیز نفی گشته است (آهنگران، ۱۳۸۹، ص۱۸٤).

## د) برخورد یکسان با تأخیرکنندگان

یکی از نکات مهم در مسئله تأخیر تأدیه تفکیک بین عوامل تأخیر است؛ یعنی می‌بایست بین مشتریان متخلف و مشتریانی که به جهت اعسار و تغییر شرایط اقتصادی در تأدیه به‌موقع دیون خویش تأخیر نموده‌اند، تفاوت قائل شد. به‌عبارت‌دیگر مهم‌ترین عللی که سبب تأخیر در بازپرداخت دیون و تسهیلات بانکی می‌شود عبارت‌اند از: الف) عدم پرداخت ناشی از نقض تعهد (تقصیر) و ب) عدم پرداخت بدون تقصیر (انصاری، ۱۳۹۰، ص۱۷۰)؛ گاهی مشتری منافع خویش را در تأخیر در پرداخت بدهی می‌داند؛ به‌نحوی‌که تأخیر و پرداخت جریمه را در برابر منافعی که از دراختیارداشتن بیشتر تسهیلات حاصل می‌شود، دارای صرفه و توجیه اقتصادی می‌داند؛ روشن است که چنین فردی قصد سوءاستفاده دارد و می‌بایست با رویکردی تنبیهی با وی برخورد شود؛ درنظرگرفتن مجازات درباره این‌دسته از بدهکاران اعم از دریافت جریمه تأخیر تأدیه و سایر روش‌ها امری ضروری و به‌جا به‌شمار می‌آید (همان)؛ درحالی‌که از بین تأخیرکنندگان، گروهی نیز به دلایلی همچون اعسار یا ورشکستگی ناشی از تغییر وضعیت اقتصادی یا بروز حوادث غیرمترقبه؛ مانند زلزله، آتش‌سوزی یا سرقت که مهم‌ترین علل تأخیر هستند، از پرداخت به‌موقع دیون خویش باز می‌مانند؛ این گروه که بدون تقصیر تمکن مالی لازم برای تأدیه دیون خود را از دست می‌دهند، خود به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته نخست کسانی هستند که امید می‌رود پس از مدتی تمکن مالی بیابند و توان پرداخت بدهی را پیدا کنند و دسته دوم کسانی هستند که امکان به‌دست‌آوردن مجدد تمکن مالی برای آنها دور از انتظار است (موسویان، ۱۳۸۵، ص۱۰٦)؛ بهترین روش برای برخورد با دسته نخست آن است که سررسید بدهی به تعویق انداخته شود؛ چراکه پرداخت به‌موقع بدهی برای این گروه فقط از راه فروش سرمایه امکان‌پذیر است و این به معنای تعطیلی بنگاه است که ضرر فردی و



www.SID.ir

Archive of SID

اجتماعی فراوانی به همراه دارد؛ اما در برابر دسته دوم، امهال به مدیون حتی ممکن است وی را در وضعیتی بدتر از پیش قرار دهد (همان)؛ بنابراین بهتر است که بانک وصول مطالبات خود را با استفاده از ابزارهای قانونی و قراردادی پیگیری نماید.

### ه) کوتاهی بانک در پیگیری مطالبات

راهکار وجه التزام از جهت روش کار به‌گونه‌ای طراحی شده است که معمولا بانک‌ها انگیزه زیادی نسبت به پیگیری و وصول مطالبات ندارند؛ یک بانکدار می‌بیند اگر تسهیلات به‌موقع وصول شود در قالب تسهیلات جدیدی به همان فرد یا شخصی دیگر با نرخ سود معیّنی واگذار می‌شود؛ درحالی‌که اگر وصول نشود نرخ بازدهی آن معادل نرخ سود به اضافه شش درصد است و این به نفع بانک است؛ درنتیجه مشاهده می‌شود برخی از بانک‌ها به‌قدری در وصول مطالبات کوتاهی می‌کنند تا اصل، سود و جرایم تسهیلات به اندازه ارزش وثیقه شود در این زمان به‌خاطر نگرانی از نکول به تملک و فروش وثایق اقدام می‌کنند.

درمجموع اشکالات موجود در راهکار وجه التزام بانکی سبب شده تا آنچه که در عملکرد اجرایی بانک‌ها رخ می‌دهد، از مصوبات شورای نگهبان و مبانی مشروعیت آن فاصله بگیرد و نظام بانکی را به سمت ربا سوق دهد؛ لذا دستیابی به راهکاری در زمینه حل معضل مطالبات معوق که مورد قبول و اجماع همه فقها باشد و عاری از هرگونه شبهه شرعی همچون ربوی یا ظالمانه بودن باشد، ضروری است و همچنان از دغدغه‌ها و چالش‌های جدی نظام بانکداری بدون ربا به‌حساب می‌آید.

## راهکارهای پیشنهادی

لازم است راهکارهای پیشنهادی افزون‌بر مشروعیت، از کارایی مناسب نیز برخوردار باشند و آسیب‌های پیش‌گفته را نداشته باشند؛ براین‌اساس دو راهکار ارائه می‌شود:

### راهکار نخست: تعزیر مالی متخلف

پرداخت به‌موقع دین، یکی از تکالیف الهی و واجبات شرعی است که بر ذمه بدهکار است؛ هر مدیونی باید به فکر ادای دین خود باشد و در صورت توانایی و تمکن مالی نباید



www.SID.ir

Archive of SID

پرداخت آن را به تأخیر افکند؛ چراکه پرداخت بدهی واجب و عدم پرداخت آن ظلم و جرم است؛ طبق این مبنا دولت اسلامی می‌تواند تأخیرکنندگان از پرداخت بدهی بانک‌ها و مؤسسات را که موجب اختلال در نظام مالی جامعه می‌شوند، جریمه نقدی کند (موسویان، ۱۳۸۵، ص۱۱۹)؛ حتی در روش تعزیر مالی، دریافت جریمه نیازی به اشتراط آن در قرارداد ندارد و بدون چنین شرطی هم می‌توان متخلفین را مجازات نمود.

تعزیر مالی مشتریان پیمان‌شکن که جنبه کیفری دارد، می‌تواند به روش‌های مختلفی صورت پذیرد؛ یکی از این روش‌ها تفویض امر قضایی به بانک‌هاست؛ بر اساس این روش، دولت و دستگاه قضایی می‌تواند در چارچوب قواعد و ضوابط مشخص به بانک‌ها اجازه دهد که متصدی دریافت جرایم نقدی شوند و مشتریان متخلف را با توجه به علت تأخیر و متناسب با مبلغ و مدت تأخیر، جریمه نمایند (همان، ص۱۲۰).

درواقع بانک‌ها و مؤسسات مالیِ دولتی به جهت انتسابشان به دولت می‌توانند به‌خوبی متصدی دریافت جرایم مالی شوند تا جرایم به حساب دولت واریز شود؛ همان‌گونه‌که دریافت جرایم تخلفات رانندگی به اداره راهنمایی و رانندگی تفویض شده است؛ اما لازم است همانند تخلفات رانندگی موارد به صورت روشن و ریز مشخص و معیّن گردد تا به‌طوردقیق جرایم تأخیر تأدیه‌های خاص، جرایم مشخصی را در کنار خود داشته باشد.

بانک‌ها و مؤسسات خصوصی که عضو دیگری از شبکه بانکی کشور هستند نیز می‌توانند عهده‌دار چنین مسئولیتی باشد؛ همانند دفتر اسناد رسمی که حقوق و مالیات‌های دولتی و شهرداری‌ها را با توجه به الزامات قانونی در ثبت و انتقال اسناد، مشخص و از متقاضی می‌خواهند تا به حساب‌های مربوطه واریز نماید.

راهکار تعزیر مالی از جهت کارایی و قابلیت اجرایی راهکاری مناسب به‌شمار می‌آید؛ چراکه تفویض نمودن دریافت جرایم مالی به بانک‌ها آنها را از صرف زمان و هزینه جهت تشکیل پرونده قضایی بی‌نیاز می‌سازد و به‌آسانی می‌توانند با مقرر نمودن جرایم مشخص، مشتریان را به ادای به‌موقع بدهی ملزم نمایند.

استفاده از این راهکار از نظر توجه به عوامل تأخیر و بحث اعسار نیز دارای مطلوبیت است؛ در این راهکار همه مشتریان متخلف مگر افراد معسر ملزم به پرداخت جریمه هستند؛ زیرا طبق حکم وجوب امهال و انظار به مدیون معسر، واجب است به افرادی که به



www.SID.ir

Archive of SID

جهت اعسار و ورشکستگی در مضیقه مالی هستند و از پرداخت بدهی‌های خود ناتوان‌اند، مهلت داده شود تا با انجام فعالیت‌های اقتصادی، تمکن مالی لازم را برای تسویه دیون به‌دست آورند. ازهمین‌روی نه‌تنها بدهکار حق دریافت جریمه، به واسطه چنین تأخیری از مدیون را ندارد، بلکه حق مطالبه اصل دین را نیز ندارد و نمی‌تواند مدیون را مجبور به پرداخت بدهی کند؛ زیرا در فرضی که مشتری تمکن مالی لازم را برای ادای دین در موعد مقرر ندارد، تأخیر وی جرم و تخلف به‌شمار نمی‌رود؛ چراکه وی تنها به دلیل ناتوانی، سررسید دین را به تعویق انداخته است؛ بنابراین فرد معسر، متخلف محسوب نمی‌شود تا مستحق پرداخت جریمه باشد و دریافت جریمه از وی، ظالمانه است.

البته صدور حکم اعسار افراد با مراجعه شخص معسر و تاجر ورشکسته به دستگاه قضا و تقاضای صدور اعسار و ورشکستگی یا بر اثر شکایت شاکیان و تشخیص ورشکستگی فرد مورد نظر انجام می‌پذیرد؛ در این زمینه بانک موظف است به مشتریانی که ادعای اعسار دارند، اعلام نماید برای اجرای قوانین اعسار و ورشکستگی در رابطه با آنها، می‌بایست اسناد و مدارک لازم را از طریق قوه قضائیه ارائه نمایند. با اثبات اعسار، بانک نه‌تنها از مشتریان معسر نمی‌تواند جریمه بگیرد، بلکه نسبت به اصل بدهی هم می‌بایست مهلت دهد تا مشتریان مجددا تمکن مالی لازم را به‌دست آورند؛ البته یکی از مشکلات موجود در این زمینه، زمان‌بر بودن فرآیند اثبات اعسار است که می‌توان با تخصصی کردن قضا و تأسیس دادگاه‌های ویژه برای امور و موضوعات بانکی حل نمود؛ در این دادگاه‌ها می‌توان بخشی را برای موضوع اعسار ایجاد نمود تا قضات متخصص در زمینه مباحث بانکی با سرعت بیشتری به رسیدگی به پرونده‌ها بپردازند و حکم صادر نمایند؛ تشکیل دادگاه‌های تخصصی ضمن حفظ استقلال قوه قضائیه، بهترین روش برای اثبات اعسار مشتریان است.

بنا بر این راهکار مطابق قانون ـ که باید به تصویب مجلس برسد ـ هرنوع تأخیر در ادای بدهی و تعهدات مالی نسبت به بانک‌ها و دیگر مؤسسات اعتباری، برای مشتریان غیرمعسر، جرم محسوب شده و مشمول جریمه‌ای معادل فلان درصد بدهی و تعهدات مالی، به نفع دولت خواهد بود؛ این جرایم با تفویض قضایی توسط بانک وصول شده و به حساب بانک مرکزی واریز می‌شود و بانک مرکزی می‌تواند بخشی از جرایم (حداکثر



www.SID.ir

Archive of SID

معادل سود تسهیلات) را به بانک مذکور بپردازد و باقیمانده را به حساب دولت منتقل نماید.

طبق این مبنا مشتری توجیه می‌شود که پرداخت مبلغ اضافه بر اصل دین، جریمه‌ای است که به‌علت تأخیر در ادای بدهی به دولت می‌پردازد، نه اینکه با پرداخت جریمه، هزینه بیشتری می‌پردازد تا مدت زمان بیشتری تسهیلات را در اختیار داشته باشد.

از طرفی در فرضی که بانک بتواند متصدی دریافت جرایم مالی شود به‌گونه‌ای‌که آن را به نفع دولت دریافت کند، گرچه تعلق بخشی از جرایم مالی می‌تواند جبران‌کننده خسارات وارده به بانک شود، اما چون همه جریمه به بانک نمی‌رسد بانک انگیزه‌ای برای مماطله (درنگ و تأخیر) در وصول مطالبات نخواهد داشت؛ بنابراین این روش از جهت معیار بازدارندگی نسبت به مشتری و جبران خسارت نسبت به بانک و ایجاد انگیزه برای اقدام به‌موقع برای وصول مطالبات از طرف بانک روش مطلوبی به نظر می‌رسد.





## مبانی فقهی تعزیر مالی متخلف

پرداخت به‌موقع دین، یکی از تکالیف الهی و واجبات شرعی است که بر عهده بدهکار است؛ هر مدیونی باید پیوسته به فکر ادای دین خود باشد و در صورت توانایی نباید پرداخت آن را به تأخیر افکند؛ مطابق روایات، پرداخت بدهی واجب و عدم پرداخت آن ظلم و جرم است (طباطبائی، [بی‌تا]، ص۱۸)؛ برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

پیامبر اکرمﷺ فرمودند: «تأخیر انداختن پرداخت بدهی از طرف بدهکاری که توان مالی دارد، ظلم است» (شیخ صدوق، ۱٤۱۳ق، ج٤، ص۳۸۰)، ایشان در روایت دیگری فرمودند: «مسامحه و مماطله کسی که قادر به پرداخت بدهی خود است، آبرو و مجازات او را حلال می‌کند» (بروجردی، ۱٤۲۹ق، ج۲۳، ص۷۱۹).

مقصود از حلال‌شدن آبرو آن است که می‌توان بر او سخت‌گیری یا نام او را افشا کرد و مقصود از حلال‌شدن مجازات این است که می‌توان او را به حبس انداخت؛ درواقع اگر فردی در ادای دین کوتاهی و مماطله کند و بر خودداری از پرداخت بدهی اصرار ورزد، در این صورت مجازات با توبیخ او مانند اینکه وی را به ای ظالم! و ای فاسق! خطاب کنند،

www.SID.ir

Archive of SID

جایز خواهد بود و حتی می‌توان او را با حبس و شلاق نیز مجازات نمود. عقوبت در این حدیث نبوی مطلق است و شامل عقوبت مالی نیز می‌گردد.

در این زمینه حضرت *علی*ؑ نیز فرموده‌اند:

بر قدرتمندان توانگری که در ادای اموال و حقوق مردم امروزوفردا می‌کنند و اموال مردم را نزد حکام می‌فرستند، نظارت کن و حقوق مردم را از آنان بگیر و اگر ملک و خانه‌ای دارند بفروش و حقوق مردم را ادا کن. از پیامبرﷺ شنیدم که می‌فرمود: «امروزوفردا کردن مسلمان توانگر نسبت به پرداخت حقوق مردم، ظلم به مسلمانان است» (کلینی، ۱٤۰۷ق، ج۷، ص٤۱۲).

بنابراین جرم بودن تأخیر در پرداخت به دو دلیل قابل اثبات است:

۱. روایات خاصی که مماطله و تأخیر در پرداخت بدهی را ظلم و جور می‌دانند و مجازات آن را تعزیر اعلام می‌کنند.

۲. روایات عامی که هرنوع خلاف شرع را مستحق مجازات و تعزیر می‌دانند و تأدیه دین از تکالیف شرعی است؛ پس عدم تأدیه دین قابل تعزیر و مجازات خواهد بود.

فقیهان در این زمینه معتقدند که تعزیر در مطلق گناهان کبیره یا حتی مطلق گناهان جریان دارد؛ اعم از اینکه در مورد آنها دلیل وارد شده باشد یا نباشد. صاحب **جواهر**ؒ دراین‌باره می‌گوید: «فقیهان به این مسئله فتوا داده‌اند و در بین آنها اختلافی نیست که هرکس حرامی را مرتکب شود و یا واجبی را ترک نماید، درصورتی‌که معصیت انجام‌شده کبیره باشد، حاکم و امام حق دارد او را تعزیر نماید» (نجفی، ۱۹۸۱م، ج٤۱، ص٤٤۸/ محقق حلی، ۱٤۰۸ق، ج٤، ص۱٦۸).

سیره رسول اکرمﷺ و امیرالمؤمنینؑ نیز مؤید این مطلب است:

در زمان پیامبرﷺ فردی به محضر ایشان شرفیاب شد و گفت: شخصی را به خدا قسم دادم و از او درخواست کمک نمودم، او به من پنج تازیانه زد، حضرت رسولﷺ نیز او را پنج تازیانه زد (حرعاملی، ۱٤۰۹ق، ج۱۸، ص۵۷۷، ح۱)؛ در این مورد حضرت رسولﷺ او را به جهت قسم‌خوردن به وجه الله که از گناهان کبیره محسوب می‌شود، تعزیر نمود. در زمان امیرالمؤمنینؑ نیز شخصی بدون عذر روزه‌خواری می‌نمود، امام او را سی‌ونه تازیانه زد (نوری، ۱٤۰۸ق، ج۱۸، ص۱۹۵). با توجه به آیات، احادیث و سیره پیامبرﷺ و امیرالمؤمنینؑ و فتاوای علما، اصل تعزیر مرتکبین معاصی و کسانی‌که



www.SID.ir

Archive of SID

واجبات الهی را ترک می‌کنند، مسلم و قطعی است (صافی گلپایگانی، ۱۳٦۳، ص۱۳۹). در احکام و مقررات جزایی اسلام نیز یکی از شیوه‌های تعزیر، مجازات مالی متخلف است.

## ادله اثبات جواز تعزیر مالی

مجازات‌های مالی دارای مفهوم وسیع و گسترده‌ای است که هرگونه حکم شرعی را که متضمن پرداخت مالی یا محرومیت از مال، در مقابل فعل حرام یا ترک واجب و گاه در مقابل تخلفات غیرعمدی است، شامل می‌شود؛ براین‌اساس مجازات‌های مهم مالی شناسایی‌شده در احکام جزایی اسلامی عبارت‌اند از: دیات، ارش حکومتی، کفارات مالی، سلب یا تعلیق مالکیت (مصادره) اموال مرتد، محرومیت قاتل عمد از میراث و تعزیرات مالی (موسوی خمینی، ۱٤۱۷ق، ج۲، ص۵۵۳/ نجفی، ۱۹۸۱م، ج٤۳، صص۳ و ٤۵۳).

تعزیرات مالی که در این تحقیق مورد بحث است، از نوع تعزیراتی است که به نظر قاضی واگذار شده و شامل انواع زیان‌های مالی می‌گردد؛ مانند محکومیت مجرم به جریمه نقدی به نفع بیت‌المال، مصادره تمام یا قسمتی از اموال او، نگهداری و توقیف اموال مجرم در وقت معیّن، تعطیل محل کسب، محکومیت از حقوق فردی یا اجتماعی، حکم به انجام کار اجباری توسط مجرم بدون مزد یا کمتر از قیمت واقعی و غیره. در رابطه با جواز تعزیر مالی بین فقیهان شیعه دو نظریه وجود دارد:

۱.جواز تعزیر مالی درصورتی‌که خفیف‌تر از تعزیر به وسیله ضرب کمتر از حد و یا مساوی آن باشد.

۲.جواز تعزیز مالی به‌طورعام و در هر مورد که حاکم مصلحت بداند.

طبق دیدگاه دوم، حاکم می‌تواند در مواردی که صلاح بداند مجرم را از طریق جریمه مالی مجازات نماید؛ برای اثبات جواز تعزیر مالی، دلایلی مطرح شده است؛ با توجه به اینکه در برخی مواقع می‌توان به منظور تأدیب و اصلاح، بر بدن انسان نقص وارد نمود و او را از طریق زدن و رنجش جسمانی مجازات کرد، به طریق اولی و به حکم عقل و شرع می‌توان چنین نقصی را بر اموال او وارد کرد و از طریق جریمه مالی مجازات نمود؛ البته برای تشخیص و تعیین مقدار جریمه مالی باید طبق نظر حاکم عمل شود تا جانب مصالح فرد و اجتماع رعایت شود (محقق داماد، ۱٤۰٦ق، ج٤، ص۲۰۳)؛ دراین‌راستا می‌توان به



www.SID.ir

Archive of SID

اطلاقات ادله ولایت فقیه نیز تمسک جست. هدف از تأسیس دولت و حکومت اسلامی که رهبری آن را امام معصوم﵇ و فقیه جامع‌الشرایط در زمان غیبت بر عهده دارد، این است که در جهت اصلاح امور اجتماع و در زمینه رفع نقایص، جلوگیری از انحرافات، ترویج خوبی‌ها و قطع ریشه‌های فساد تلاش‌های جدی صورت گیرد؛ بنابراین حاکمی که جامعه را اداره می‌کند، می‌تواند و بلکه بر او واجب است که هر چه را مصلحت مردم و نظام می‌داند، به‌کار بندد؛ به‌کارگیری تعزیر مالی ممکن است در برخی موارد و نسبت به برخی افراد در تأمین هدفی که مدنظر است، مؤثرتر باشد؛ از طرفی استفاده از روش‌هایی چون تنبیه بدنی یا حبس و تبعید، ممکن است موجب ایجاد تنفر و از بین رفتن حالت ارعاب و ترس از مجازات در مجرم شود و درنهایت مصالح جامعه را به‌خطر اندازد (انصاری، ۱۳۸۵، ص۲٦۹).

آخرین دلیل در این زمینه، مؤیدات روایی است که بر اساس آن پیامبر اکرمﷺ و اهل‌بیت﵈ به منظور مجازات افراد خاطی روش تعزیر مالی را برگزیده‌اند:

۱. پیامبر اکرمﷺ در مورد کسی که مقدار کمی میوه دزدیده و آن را مصرف کرده بود چنین قضاوت فرمود: «فیعزّر و یغرم قیمته مرّتین»: چنین شخصی تعزیر می‌شود و دو برابر قیمت میوه‌هایی که دزدیده از وی گرفته می‌شود (کلینی، ۱٤۰۷، ج۷، ص۲۳۰)؛ دلیل تعیین دو برابر قیمت میوه‌ها این است که نیمی از آن ارزش خود میوه‌هاست که به صاحبش بازگردانده می‌شود و نیم دیگر تعزیر مالی است که به بیت المال تعلق دارد.

۲. *مسمع‌بن‌عبدالملک* از امام *صادق*﵇ نقل می‌کند: «مردی را خدمت حضرت امیرالمؤمنین﵇ آوردند که عبد خود را آن‌قدر مورد آزار و اذیت قرار داد تا از دنیا رفت، حضرت او را به‌سختی زد و یک‌سال زندان نمود و مجبور ساخت به اندازه قیمت عبد از طرف او صدقه بدهد» (حرعاملی، ۱٤۰۹ق، ج۱۹، ص٦۷)؛ در این روایت، امام﵇ این فرد را با اجبار به پرداخت قیمت عبد که جریمه مالی است، مجازات نمود.

۳. در روایت دیگری وارد شده است که *منذربن‌جارود عبدی* در مقام فرمانداری خیانت کرده بود؛ امیرالمؤمنین﵇ او را با برکناری از منصب و پرداخت جریمه تعزیر نمود (یعقوبی، [بی‌تا]، ج۲، ص۲۰۳)؛ ایشان همچنین یکی دیگر از فرمانداران خیانت‌کار به نام *ابن‌هرمه* را با قطع نمودن حقوق وی از بیت‌المال مجازات نمود.



www.SID.ir

Archive of SID

بر اساس ادله مطرح‌شده حاکم شرع می‌تواند مجرم را در مواردی که مصلحت اقتضا می‌کند به وسیله تعزیر مالی مجازات نماید؛ افزون‌براین، جرایم مالی نسبت به سایر مجازات‌ها دارای امتیازاتی است؛ ازجمله‌اینکه اثر تنبیهی مجازات مالی مانند سایر مجازات‌ها با تکرار، کم نمی‌شود؛ درحالی‌که در مجازات زندان و حتی مجازات‌های بدنی کم‌کم احساس ترس از بین می‌رود. برای جرم‌هایی که تنها هدف و انگیزه از انجام آن کسب منفعت مادی است، مجازات مالی مناسب‌تر است و بیشتر موجب تنبیه طبع‌های تشنه کسب مال از راه ارتکاب جرم می‌گردد و امکان رعایت تناسب بین جرم و مجازات نیز وجود دارد؛ مجازات مالی می‌تواند به‌سرعت و آسانی افرادی را که جرایم مهمی انجام نداده‌اند، تنبیه نماید؛ در مجازات‌های مالی اگر اشتباه قضایی رخ دهد، به‌آسانی قابل جبران و تدارک است، برخلاف دیگر مجازات‌ها مثل شلاق و حبس که در صورت اجرا شدن دیگر راهی برای جبران آن وجود ندارد (انصاری، ۱۳۸۵، ص۲۷۳)؛ این نکات مثبت موجب می‌شود که روش تعزیر مالی در بسیاری از موارد شیوه بهینه در زمینه مجازات مجرمین محسوب شود.

## ماهیت تعزیر مالی

مطابق نظریه تعزیر مالی، حاکم شرع و قاضی می‌تواند با وضع قوانین شفاف و روشن نسبت به اثبات جرم و تعیین مجازات، بدهکاران متخلف را مجازات نماید و مبلغی را به عنوان جریمه نقدی دریافت و به نفع بیت‌المال واریز نماید؛ ازآنجایی‌که این جریمه مربوط به قرارداد فیمابین بانک و مشتری نبوده و وجوه حاصل نیز مال بانک نیست، بی‌گمان ربا محسوب نمی‌شود؛ این جرایم اختصاص به دولت دارد و هدف از آن رفع ضرر و زیان ناشی از تخلفات مشتریان متخلف و اقامه عدل و انضباط مالی در جامعه است (زفتاوی، ۱۹۹۶م، ص۲۲)؛ بنابراین قاضی می‌تواند گیرندگانِ تسهیلات بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را که با وجود تمکن مالی در پرداخت اقساط تأخیر می‌نمایند، به جهت ارتکاب حرام و تخطی از فرمان الهی مبنی بر تأدیه به‌موقع دیون، تعزیر مالی نماید؛ چراکه مدیونِ مماطل، گناهکار، ظالم و مستحق عقوبت است.



www.SID.ir

Archive of SID

افزون‌براین، چنین فردی با تأخیر خود، ضرر و زیان مالی بسیاری به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری تحمیل کرده و آسیب‌های غیرقابل‌جبران اجتماعی و اقتصادی به پیکره جامعه وارد نموده است؛ لذا برای حفظ مصالح اجتماع، مجازات وی ضروری است و یکی از انواع مجازات، تعزیر مالی می‌باشد؛ طبق این مبنا دولت اسلامی می‌تواند تأخیرکنندگان از پرداخت بدهی بانک‌ها و مؤسسات را که موجب اختلال در نظام مالی جامعه می‌شوند، جریمه نقدی کند (موسویان، ۱۳۸۵، ص۱۱۹)؛ خواه قرارداد بین بانک و مشتری از عقود مبادله‌ای مثل فروش اقساطی یا اجاره به شرط تملیک باشد و مشتری در بازپرداخت دین تعلل کرده باشد و یا از عقود مشارکتی مثل مضاربه یا مشارکت مدنی باشد و مشتری از انجام تعهدات خود تخلف نموده باشد؛ البته در روش تعزیر مالی، دریافت جریمه نقدی از مشتریان متخلف نیازی به اشتراط آن در این قراردادهای بانکی ندارد و بدون چنین شرطی هم می‌توان متخلفین را مجازات نمود.





## تفویض تعزیر مالی متخلفین به نظام بانکی

در جهت ارتقای کارایی راهکار تعزیر مالی لازم است که قوانین و مقررات ناظر به اثبات جرم و تعیین مجازات خیلی شفاف و روشن تعریف شده و خود نظام بانکی متصدی تعزیر مشتریان متخلف شود؛ چراکه اگر این روش در محاکم قضایی پیگیری شود به جهت زمان‌بر بودن فرآیند دادرسی و صدور حکم به کاهش کارآمدی آن منجر خواهد شد؛ بنابراین در این راهکار پیشنهاد می‌شود که دستگاه قضایی بر اساس قوانین و ضوابط دقیق و معیّنی، به بانک‌ها اجازه دهد افراد غیرمعسر و متخلف را متناسب با مبلغ و مدت تأخیر به نفع دولت تعزیر مالی کند.

ممکن است به این راهکار اشکال شود که مطابق احکام و ضوابط مجازات اسلامی، اقامه‌کننده تعزیز می‌بایست از اهلیت فتوا و ملکه اجتهاد برخوردار باشد؛ به‌عبارت‌دیگر قضاوت و اقامه حدود و تعزیرات از وظایف حکام شرع و مجتهدین جامع‌الشرایط است؛ بنابراین جایز نیست شخصی غیر از مجتهد و حاکم شرع این وظیفه را بر عهده گیرد؛ لذا نمی‌توان یک امر قضایی همچون اجرای تعزیر را در رابطه با مشتریانی که در تأدیه بدهی خویش مماطله نموده‌اند به نظام بانکی واگذار نمود؛ به‌بیان‌دیگر جرایم از صنف مفاهیم

www.SID.ir

Archive of SID

قضایی‌اند؛ ابتدا باید در دادگاه جرم تعریف شود، آن‌گاه مجرم احراز شود و سپس متناسب با جرم، مجازاتی برای مجرم تعیین گردد؛ برهمین‌اساس است که برخی از مراجع با این روش مخالفت نموده‌اند:

آیت‌الله *فاضل لنکرانی*ﷺ: اگر مدیون درواقع علاوه بر مستثنیات دین مالی داشته باشد و در موعد مقرر دین خود را نپردازد، مرتکب معصیت شده و حاکم شرع طبق شرایط و ضوابط که خود تشخیص می‌دهد می‌تواند او را تعزیر کند و حتی ممکن است تعزیر به صورت پرداخت پول باشد؛ اما این امر به‌طورکلی صحیح نیست بلکه باید موردی بررسی شود و هر کس به حساب خودش تعزیر شود (سایت خبری البرز، ۱۳۸۹).

آیت‌الله *نوری همدانی*: تعزیر با حاکم شرع است و موارد مختلف است و برای همه نمی‌شود یک نوع تعزیر در نظر گرفت (همان).

به نظر می‌رسد برای دفع این اشکال می‌توان به ادله اقامه تعزیر به وسیله غیرمجتهد به جهت ضرورت استناد کرد؛ مطابق مبانی فقهی تعزیرات، در زمان اضطرار و زمانی که مجتهد برای قضاوت به اندازه کافی وجود ندارد، فرد غیرمجتهد می‌تواند به اذن حاکم اسلامی به امر قضاوت و صدور حکم تعزیری و اجرای آن بپردازد؛ مستند این نظریه حکومت قاعده نفی عسروحرج و قاعده لاضرر بر اطلاقات ادله‌ای است که شرط قضاوت را اجتهاد می‌داند؛ اگر در هر جایی که مجتهد نیست امر قضاوت و حل‌وفصل دعاوی تعطیل شود موجب تضییع حقوق مردم، بلکه وارد شدن ضرر به آنها و اختلال در نظام و هرج‌ومرج و بی‌نظمی می‌گردد و عسروحرج و مشقت بر مردم را درپی‌خواهد داشت؛ در فرض مورد بحث نیز اگر موارد تخلف مشتریان در زمینه مطالبات معوق به دستگاه قضا ارجاع داده شود، بی‌گمان رسیدگی به دعاوی به دلیل تعداد زیاد تخلفات ممکن و میسر نیست؛ درواقع تعداد قضات نسبت به تعداد زیادی دعاوی که از سوی نظام بانکی به محاکم قضایی ارسال شود، بسیار اندک است؛ لذا نمی‌توان به این پرونده‌ها در زمان مطلوب رسیدگی کرد؛ اطاله دادرسی و عدم صدور حکم نه‌تنها به اخلال نظام بانکی و بی‌نظمی منجر می‌شود، بلکه موجب عسروحرج و مشقت نوع مردم می‌شود؛ علاوه بر استدلال فوق، در رابطه با مشروعیت راهکار فوق از برخی مراجع معظم تقلید نیز سوال شده است؛ متن استفتاء و پاسخ آن به شرح زیر است:

**سؤال:** آیا دستگاه قضایی بر اساس قوانین و ضوابط دقیق و معیّنی می‌تواند به بانک‌ها



www.SID.ir

Archive of SID

اجازه دهد تا افراد غیرمعسر و متخلف را متناسب با مبلغ و مدت تأخیر به نفع بانک تعزیر مالی کنند؛ چنان‌که حکومت اسلامی و دستگاه قضا به پلیس راهنمایی و رانندگی مأموریت داده است که بر اساس قوانین و مقررات، رانندگان متخلف را جریمه و تعزیر مالی کند؟

**پاسخ:** آیت‌الله *موسوی اردبیلی*: فی‌حدنفسه اشکال ندارد؛ ولی در مقام عمل چنین اختیاری به یک طرف قرارداد موجب سوءاستفاده خواهد شد. ایشان در فتوای دیگری نیز می‌فرمایند: «درصورتی‌که از اول برای تخلف از عمل به تعهد مثل عدم پرداخت قسط در زمان تعیین‌شده، جریمه در نظر گرفته نشده باشد، حاکم شرعی می‌تواند برای متخلف غیرمعذور بر طبق مصلحت جریمه قرار دهد و اشکال ندارد که جریمه به نفع زیان‌دیده (متعهدٌله) یا دولت و تحت مسئولیت سازمان مشخصی قرار داده شود.

آیت‌الله *مکارم شیرازی*: درصورتی‌که حفظ مصلحت نظام چنین تعزیری را با چنین کیفیتی ایجاد کند، مانعی ندارد ـ البته در مورد کسانی که توانایی پرداخت دارند و امتناع می‌کنند ـ

آیت‌الله *علوی گرگانی*: این راهکار از باب تعزیر حکومتی و حکم حاکم شرع صحیح است و مانع شرعی ندارد؛ لیکن بایستی مجازات مدنظر در عین بازدارندگی، صدق ظلم به مردم و وام‌گیرنده نکند.

## نکات تکمیلی راهکار تعزیر مالی

برای اجرای صحیح راهکار تعزیر مالی لازم است نکات مهمی در مراحل تدوین قوانین و مقررات و اجرا دیده شود که برخی از آنها بدین قرار است:

۱. بایستی جرم ـ تأخیر در پرداخت بدهی در قراردادهای قرض‌الحسنه و عقود مبادله‌ای و انجام تعهدات مالی در عقود مشارکتی ـ به صورت خیلی واضح و شفاف قانون‌گذاری و آئین‌نامه نویسی شود.

۲. بایستی موارد استثنای قانون ـ معسرین و ورشکسته‌ها ـ به صورت روشن و شفاف تعریف و نحوه اثبات آنها مشخص گردد.

۳. بایستی موارد ارفاق و تخفیف قانون ـ مانند مشتریانی که معسر یا ورشکسته نیستند؛ اما به‌خاطر شرایط اقتصادی خاص کشور که چه‌بسا خارج از اراده و اختیار آنان است توان پرداخت بدهی و انجام تعهداتشان را به صورت موقت از دست داده‌اند ـ به صورت شفاف تعریف و نحوه تشخیص آنها معیّن گردد.

٤. بایستی میزان جرایم به صورت شفاف به‌گونه‌ای‌که بتوان بر اساس نرم‌افزار و بدون دخالت عنصر انسانی تعریف کرد، مشخص شود؛ برای مثال متناسب با



www.SID.ir

Archive of SID

مبلغ و مدت تأخیر و نرخ خاصی به وسیله نرم‌افزار محاسبه گردد.

۵. بایستی کمیت و کیفیت جبران خسارت‌های وارد بر بانک در اثر تـأخیر تأدیـه از محل جرایم گرفته‌شده به صورت شفاف و روشن تبیین شود تـا در عـین حفـظ خاصیت جبران‌کنندگی راهکار، زمینه تسامح بانک در وصول مطالبـات را فـراهم نیاورد؛ به‌همین‌منظور پیشنهاد می‌شود که تنها بخشی از جرایم به تشخیص بانـک مرکزی به بانک متضرر پرداخت گردد.

٦. لازم است خلاصه قوانین مرتبط نه به عنوان شرط ضمن عقـد، بلکـه بـه عنـوان اطلاع‌رسانی در متن قراردادهای بانکی جهت آگاهی مشتریان درج شود.

## راهکار دوم: وضع جریمه دولتی

راهکار دوم مبتنی بر نظریه ولایت فقیه و دولت مصالح است؛ به‌این‌معنا که بر اساس نظریه ولایت فقیه، دولت اسلامی موظف است در چارچوب قوانین ثابت و متغیر شریعت اسلامی و بر اساس مصالح، جامعه را اداره کند؛ ازجمله اصول نظریه ولایت فقیه این است که دولت به‌طورمطلق ـ بنا بر نظریه مطلقه فقیه ـ یا با رعایت احکام الزامی اسلام ـ بنا بر نظریه منطقه‌الفراغ ـ حق و مسئولیت قانون‌گذاری را برای رعایت مصالح جامعه دارد؛ وضع قوانینی مانند قانون مالیات‌های حکومتی، عوارض گمرکات، نظام وظیفه عمومی و امثال آنها همگی از این باب هستند؛ حال بنا بر راهکار دوم، دولت اسلامی به عنوان نهاد حاکمیت، جهت سامان‌دهی جریان اموال و فرهنگ‌سازی وفای به عهد میان مردم قانونی به تصویب می‌رساند که بر اساس آن تأخیر در ادای تعهدات مالی برای مشتریان غیرمعسر، مشمول جریمه‌ای معادل فلان درصد دیون و تعهدات مالی به نفع دولت خواهد بود.

همانند راهکار پیشین، این جرایم توسط بانک وصول شده و به حساب بانک مرکزی واریز می‌شود و بانک مرکزی مجاز است در صورت صلاحدید بخشی از آن جرایم (حداکثر معادل سود تسهیلات) را به بانک مذکور بپردازد و باقیمانده را به حساب دولت منتقل نماید.

راهکار دوم گرچه از جهت شکل عملیات تفاوت اساسی با راهکار اول ندارد، اما از جهت مفهومی کاملاً متفاوت از راهکار نخست است؛ راهکار نخست بر اساس شأن قضایی طراحی شده که نیازمند تحقق عنوان جرم و تشخیص مجرم و حالات مجرم و



www.SID.ir

Archive of SID

تعیین مجازاتی متناسب با جرم و مجرم است؛ هرچند از باب تفویض توسط نظام بانکی به اجرا درمی‌آید؛ اما راهکار دوم بر اساس شأن حاکمیتی دولت اسلامی است که مسئولیت اداره جامعه بر اساس مصالح اسلام و مسلمین را دارد؛ بر اساس این شأن، دولت حق دارد برای ایجاد نظم مالی در روابط معاملاتی اشخاص حقیقی و حقوقی، به وضع قوانین و مقررات اقدام نماید؛ یکی از آن قوانین می‌تواند قانون پرداخت جرایم مالی باشد و ازآنجاکه دولت در تحقق نظام مالی جامعه متحمل هزینه‌های سنگینی است گرفتن چنین جرایمی برای پوشش هزینه‌های دولت توجیه شرعی، عقلایی و اقتصادی نیز دارد.

## ابعاد شرعی و عملیاتی راهکار وضع قوانین حاکمیت دولت اسلامی

با توجه به اهمیت مسئله وصول مطالبات در حفظ نظام مالی کشور، دولت با استفاده از اختیارات حاکمیتی خود می‌تواند به تدوین مقرراتی در این زمینه بپردازد؛ مطابق ماده ۸ قانون خدمات کشوری امور حاکمیتی، آن‌دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است از قبیل سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی.

مقررات مالی وصول مطالبات مبتنی بر نظریه ولایت فقیه و دولت مصالح می‌تواند توسط دولت به عنوان یک قانون کشوری تنظیم شود؛ این قانون علاوه بر قدرت تأثیر و بازدارندگی فراوان، با اشکال شرعی خاصی نیز مواجه نمی‌باشد؛ زیرا در حکم قوانین بالادستی است و به عنوان مقررات حاکم بر عملیات بانکی سیطره دارد؛ ازآنجاکه این قوانین کاملاً خارج از قرارداد بانک و مشتری تنظیم شده است، این روش نه شرط ضمن عقد محسوب می‌شود و نه به نفع بانک است؛ لذا به‌هیچ‌وجه با شبهه ربا مواجه نمی‌شود. این قوانین را می‌توان به مثابه قوانین مالیاتی یا گمرکی دانست؛ به‌نحوی‌که کلیه قراردادهای تجاری فی‌مابین افراد با ملاحظه این قوانین تنظیم می‌گردد، حتی اگر این مقررات به صورت صریح و در قالب ماده یا تبصره در متن قرارداد گنجانده نشود.

فرآیند عملیاتی تدوین، وضع و تصویب این قوانین می‌تواند به این صورت باشد که دولت با مشورت وزارت اقتصاد و دارایی، بانک مرکزی و نظارت شورای پول و اعتبار و با درنظرگرفتن شرایط اعطای تسهیلات در شبکه بانکی کشور، ابتدا نحوه وصول مطالبات،



www.SID.ir

Archive of SID

شیوه‌های استمهال، جرایم مالی تأخیر تأدیه را تبیین نماید و سپس به عنوان موادی به قانون «تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت» اضافه گردد؛ این مواد ابتدا به عنوان لایحه باید به تصویب هیأت وزیران رسانده شود و سپس از سوی رئیس‌جمهور جهت تصویب نهایی به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردد؛ البته این قانون می‌تواند به صورت مستقل نیز تدوین و تصویب گردد؛ برخی از قوانین نظیر قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو، قانون پولی و بانکی کشور، قانون اعسار و ... ازجمله قوانین موضوعه کشور هستند.

شایان ذکر است ابعاد حقوقی قانون پیشنهادی، باید به صورت کاملاً شفاف و روشن تدوین شود؛ موارد استثنا، موارد تخفیف، میزان جریمه و کمّ‌وکیف حمایت از بانک متضرر همه باید به‌گونه‌ای تنظیم و اطلاع‌رسانی شوند که کارایی راهکار (بازدارنگی از تخلف، جبران ضرر بانک و انگیزه بانک برای پیگیری مطالبات) محفوظ بماند.

امتیاز این روش نسبت به راهکار موجود و سایر راهکارهای پیشنهادی، در مسلّم و قطعی بودن مشروعیت آن است؛ این روش با هیچ‌گونه اشکال شرعی مواجه نیست و با توجه به اینکه متصدی آن دولت می‌باشد، حقوق بانک و مشتری به تناسب رعایت می‌گردد؛ افزون‌براین ملی بودن مقررات، سبب افزایش قدرت بازدارندگی آن می‌شود و در تنظیم آن می‌توان به مسائلی همچون اعسار مشتریان و تفکیک بین عوامل تأخیر نیز توجه کرد.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. راهکار وجه التزام بانکی به جهت تحریف عملی ماهیت وجه التزام، عدم برخورداری از مشروعیت کافی و برخورد با شبهه ربا، بی‌توجهی به اعسار مشتریان و برخورد یکسان با تأخیرکنندگان، راهکار مطلوبی جهت حل معضل مطالبات غیرجاری در نظام بانکی محسوب نمی‌شود؛ کوتاهی بانک در پیگیری مطالبات نیز از دیگر آسیب‌های جدی این راهکار می‌باشد.

۲. راهکار تعزیر مالی مشتریان متخلف می‌تواند به عنوان روش جایگزین مطرح گردد؛ در این روش مشتریان به دلیل عدم پرداخت بدهی با وجود تمکن مالی از ادای تکلیف شرعی خود سر باز زده‌اند؛ لذا مستحق تعزیر هستند.



www.SID.ir

Archive of SID

۳. بر اساس مستندات فقهی، تعزیر و مجازات افراد خاطی، می‌تواند به صورت تعزیر و جریمه مالی صورت گیرد؛ مشتریان متخلف به دلیل عمل نکردن به وظیفه شرعی، مکلف به پرداخته مبلغی به عنوان تعزیر و جریمه مالی می‌شوند.

٤. در راهکار پیشنهادی، دستگاه قضایی می‌تواند بر اساس قوانین و ضوابط دقیق و معیّنی، به بانک‌ها اجازه دهد تا افراد غیرمعسر و متخلف را متناسب با مبلغ و مدت تأخیر به نفع دولت تعزیر مالی کنند؛ درواقع تعزیر مالی مشتریان به نظام بانکی تفویض می‌گردد.

۵. در راهکار تعزیر مالی می‌بایست به مواردی همچون تعریف جرم، موارد استثنا یعنی معسرین و ورشکسته‌ها، میزان جرایم و کمیت و کیفیت جبران خسارت‌های وارد بر بانک توجه شود.

٦. در راهکار پیشنهادی دوم که در صورت اجرایی شدن، روشی بهینه محسوب می‌شود، دولت اسلامی به عنوان نهاد حاکمیت، جهت سامان‌دهی جریان اموال و فرهنگ‌سازی وفای به عهد در میان مردم قانونی به تصویب می‌رساند که بر اساس آن تأخیر در ادای تعهدات مالی برای مشتریان غیرمعسر، مشمول جریمه‌ای معادل فلان درصد دیون و تعهدات مالی به نفع دولت خواهد بود؛ دولت نیز در راستای جبران خسارت‌های وارده به بانک، می‌تواند بخشی از این جرایم را به بانک‌ها اختصاص دهد.

## منابع و مآخذ


۱. آهنگران، محمدرسول و فرشته ملاکریمی؛ «بررسی فقهی و حقوقی وجه التزام بانکی»؛ **فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی**، س۱۰، ش٤۰، ۱۳۸۹.

۲. اسکینی، ربیعا؛ **مباحثی از حقوق تجارت بین‌الملل**؛ تهران: سپهر، ۱۳۷۱.

۳. امیدی‌نژاد، محمد؛ **گزارش عملکرد بانک‌های کشور در سال ۱۳۹۳**؛ تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، بانک مرکزی ج.ا.ا، ۱۳۹٤.

٤. انصاری، علی؛ «دریافت خسارت تأخیر تأدیه در قراردادهای بانکی با تکیه بر وضعیت بدهکار»؛ **فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی**، س۱۱، ش٤۱، ۱۳۹۰.




www.SID.ir

Archive of SID


۵. انصاری، قدرت‌الله؛ **تعزیرات از دیدگاه فقه و جزا**؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.

٦. انصاری، مرتضی؛ **کتاب‌المکاسب**؛ قم: کنگره بزرگداشت شیخ‌اعظم انصاری، ١٤١٥ق.

۷. بانک مرکزی ج.ا.ا؛ **خلاصه تحولات اقتصادی کشور**؛ تهران: بانک مرکزی، اداره بررسی‌های اقتصادی، ۱۳۹۳.

۸. بروجردی، حسین؛ **جامع احادیث شیعه**؛ تهران: فرهنگ سبز، ١٤٢٩ق.

۹. تسخیری، محمدعلی؛ «شرط کیفری مالی در بانکداری بدون ربا»؛ **فصلنامه فقه اهل‌بیت** علیهم‌السلام، ش۳۵، ۱۳۸۲.

۱۰. حرّعاملی، محمدبن‌حسن؛ **وسائل‌الشیعه**؛ قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ١٤٠٩ق.

۱۱. رضایی، مجید؛ «بررسی فقهی ـ حقوقی جریمه تأخیر»؛ **فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی**، س۲، ش٦، ۱۳۸۱.

۱۲. زفتاوی، عصام انس؛ **حکم الغرامة المالیه فی الفقه الاسلامی**؛ قاهره: المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۹۹٦م.

۱۳. سایت خبری البرز، ۱۳۸۹.

١٤. شیخ‌صدوق، محمدبن‌علی؛ **من لا یحضره الفقیه**؛ قم: انتشارات اسلامی، ١٤١٣ق.

۱۵. صافی گلپایگانی، لطف‌الله؛ **التعزیر انواعه و ملحقانه**؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۳٦۳.

١٦. طباطبائی، محمدمجاهد؛ **کتاب‌المناهل**؛ قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، [بی‌تا].

۱۷. قلیچ، وهاب و فرشته ملاکریمی؛ «تحلیل چالش‌های جریمه تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا و ارائه راهکار جایگزین»؛ **فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی**، س۱۵، ش۵۹، ١٣٩٤.

۱۸. کاتوزیان، ناصر؛ **وقایع حقوقی**؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲.

۱۹. کلینی، محمد؛ **الکافی**؛ چ٤، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ١٤٠٧ق.

۲۰. محقق حلی، جعفربن‌حسن؛ **شرایع‌الاسلام**؛ چ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ١٤٠٨ق.

۲۱. محقق داماد، سیدمصطفی؛ **قواعد فقه**؛ چ۱۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ١٤٠٦ق.




www.SID.ir

Archive of SID

۲۲. مهرپور، حسین؛ **مجموعه نظریات شورای نگهبان**؛ تهران: سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۱.

۲۳. موسوی بجنوردی، محمد؛ «مشروعیت خسارت تأخیر تأدیه»؛ **پژوهش‌نامه متین**، ش۱۹، ۱۳۸۲.

۲٤. موسوی خمینی، روح‌الله؛ **تحریرالوسیله**؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱٤۱۷ق.

۲۵. موسویان، سیدعباس؛ **جریمه تأخیر تأدیه**؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا، ۱۳۹۲.

۲٦. ـــــــــ؛ «بررسی فقهی ـ حقوقی قوانین مربوط به خسارت تأخیر تأدیه در ایران»؛ **فصلنامه فقه و حقوق**، س۱، ش٤، ۱۳۸٤.

۲۷. ـــــــــ؛ «بررسی راهکارهای حل مشکل تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا»؛ **فصلنامه فقه و حقوق**، س۲، ش۸ ، ۱۳۸۵.

۲۸. نجفی، محمدحسن؛ **جواهرالکلام**؛ بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م.

۲۹. نوری، حسین؛ **مستدرک‌الوسائل**؛ بیروت: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱٤۰۸ق.

۳۰. یعقوبی، احمدبن‌یعقوب؛ **تاریخ یعقوبی**؛ قم: فرهنگ اهلبیت علیهم‌السلام، [بی‌تا].



www.SID.ir

Archive of SID

# عقوبة التعزير بالمال و الغرائم الحكومية؛ حلول مقترحه للقروض المتعثرة فی المصرفية الإسلامية

سیدعباس موسویان*
فرشته ملاکریمی**

**الخلاصة**

الأسلوب المتبع حاليا للحد من القروض المتعثرة فی النظام المصرفی، هو دفع مبلغ مشخص كاداة لالتزام بتأجيل السداد. هذا الأسلوب لايعتبر اسلوبا صحيحا ومناسبا فی حل مشكلة المطالبات غير المتداولة بسبب تشويه ماهية الالتزام وبعض المشاكل كعدم المشروعية الوافية، التشبه بالربا وعدم الاهتمام باعسار الزبائن والمواجهة بالمؤجلين بشكل متساوية. والسؤال الرئيس للمقالة هو هل يمكن الوصول إلى استراتيجية لها فاعلية مناسبة بالإضافة إلى المشروعية المطلوبة، فی مجال حل مشكل القروض المتعثرة؟

المقالة هذه تهدف إلى استخدام الطريقة التحليلية –الوصفية واستخدام مصادر الفقه الإمامی لدراسة الفرضية التالية: استراتيجية عقوبة التعزير بالمال للزبائن المتعثرين يمكن أن يكون أفضل استراتيجية. وبعبارة أخرى بعض الأشخاص الذين لايرغبون فی دفع ديونهم فی موعدها، رغم قدرتهم المالية، عليهم دفع مبلغ كتعزير بالمال بسبب هذا التأخير. وفی هذه الطريقة النظام القضائی كنظام يقوم بعقوبة الخاطئين، يفوض أخذ الغرامات إلى النظام المصرفی. والاستراتيجية الثانية استخدام الغرامات الحكومية. وفی هذه الطريقة، الحكومة وفقا لنظرية ولاية الفقيه المطلقة تستطيع سن بعض القوانين ليجعل الذين يأخذون التسهيلات، يدفعون ديونهم فی موعدها رعاية لمصالح المجتمع والانتظام المالی فی البلاد وفی حالة عدم الالتزام بهذه المسؤولية القانونية، الحكومة تجبرهم على دفع مبلغ كالغرامات المالية. والحكومة تستطيع تخصيص جزء من التعزير بالمال و الغرامات لتدارک أضرار المصارف.

**الكلمات الأساسية:** *القروض المتعثرة، غريمة الالتزام، التعزير بالمال، ولا ية الحكومة الإسلامية.*

تصنيف مجلة الأدبيات الاقتصادية (JEL): G21, G28, K12, K35.

*. أستاذ مشارک فی المعهد العالی للثقافة و الفكر الإسلامی. Email: samosavian@yahoo.com.

**. باحث فی مركز الابحاث الماليه والمصرفيه التابع للمصرف المركزی الايرانی.
Email: f.mollakarimi@gmail.com.



www.SID.ir